

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی ج.ا.ایران: فرهنگ راهبردی در دهه ۱۳۵۸-۱۳۶۸

حمیرا مشیرزاده^۱، مجید کافی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶.۰۹.۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷.۰۴.۰۶

چکیده

بیان مسأله: این مقاله فرهنگ راهبردی ایران را در یکی از مهم‌ترین نقاط عطف خود؛ یعنی دهه نخست پس از انقلاب اسلامی به کاوش گذاشته است. نویسندگان، با مبنا قرار دادن نقشه ادراکی امام خمینی (ره) به‌عنوان مهم‌ترین تصمیم‌گیرنده امنیتی و راهبردی کشور در این مقطع، تصویری فراگیر و مبتنی بر روش‌شناسی علمی از فرهنگ راهبردی کشور طی دوران مذکور ارائه کرده‌اند.

طرح سؤال: این مقاله در پی پاسخ دادن به این سؤال است که مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران پس از

انقلاب چه بوده است؟

یافته‌های تحقیق: این مقاله نشان می‌دهد که به‌رغم وجود عناصری چون: قدرت ملی، توان نظامی، روحیه ملی و حمایت مردمی، مؤلفه‌هایی چون: عاملیت الهی، شهادت‌طلبی، عدالت و... ویژگی‌های خاصی به فرهنگ راهبردی این دوره می‌بخشد. در نتیجه، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران در این دوران، نشان‌دهنده وجود یک شیوه متفاوت با روش‌های مألوف برای پاسخ دادن به تهدید و دفاع از کشور است و تفاوت این شیوه ملی با سبک‌ها و فرهنگ‌های راهبردی موجود، می‌تواند زمینه شکل گرفتن یک «نظریه امنیتی ایرانی» در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی باشد. روش و ابزار تحقیق: نویسندگان مقاله با استفاده از روش نقشه‌برداری ادراکی و تحلیل محتوای ۳۲ سخنرانی امام خمینی (ره)، نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام خمینی را به‌عنوان مبنا برای تحلیل فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب ترسیم کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ایران، فرهنگ راهبردی، راهبرد دفاعی، نقشه ادراکی، امام خمینی (ره)

۱. (نویسنده مسؤل)، عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران

hmoshir@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

۱. مقدمه

اگرچه در دوره‌های منازعات یا جنگ‌های بین‌المللی، توجه بیشتری به امکانات و توانمندی‌های مادی و ملموس دولت‌ها می‌شود؛ اما آنها تنها متغیرهای تعیین‌کننده سرنوشت جنگ نیستند. سرنوشت جنگ میان دولت‌ها؛ اعم از طرف مهاجم یا مدافع تحت تأثیر متغیرهای مختلفی قرار دارد. گروهی از متغیرها شامل توانمندی‌های نظامی، پشتوانه اقتصادی و مالی و شرایط جغرافیایی مادی و ملموس هستند. در عین حال، گروه دیگری از عوامل وجود دارند که جلوه مادی ندارند؛ اما می‌توانند در تعیین سرنوشت جنگ بسیار اثرگذار باشند. فرهنگ راهبردی^۱ یکی از این متغیرهای غیرمادی مهم است که بسته به شرایط و ویژگی‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها، جلوه‌های گوناگونی دارد (قنبرلو، ۱۳۹۱: ۳۲).

با وجود اهمیت موضوع فرهنگ راهبردی که بر همه تصمیم‌سازی‌های سیاست خارجی و امنیتی یک کشور تأثیرگذار است، در کشور ما منابع علمی که با روش‌شناسی مناسب به سنجش فرهنگ راهبردی ایران و مقدمات و آثار آن پرداخته باشند، بسیار کم‌تعداد هستند. در میان آثار موجود (۱) که عموماً حاصل حدس و گمان‌هایی درباره فرهنگ راهبردی ایران هستند که یا مسلم انگاشته شده و یا کوشش شده با یافتن منابع دست دوم تأیید شوند، دو مطالعه روشمند علمی نیز وجود دارد: محمود عسگری و احمد آقاجانی (۱۳۹۰ الف) با ارائه فهرستی از ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران، از طریق پرسشنامه کوشش کرده‌اند تا صحت فرضیات خود را به‌بوته آزمایش بگذارند. نویسندگان با فرستادن پرسشنامه برای ۵۰ نفر از کارشناسان رشته روابط بین‌الملل در ایران نتیجه می‌گیرند که به اعتقاد جامعه آماری آنها، موارد مندرج در فهرست به‌جز یک مورد، جزو ویژگی‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران هستند. در تحقیق «شالوده‌شکنی گفتار

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی.../۳

ایرانی: تحلیلی بر فرهنگ راهبردی^۱ که در سال ۲۰۰۸ توسط گروهی از پژوهشگران در دانشگاه مدیسن^۲ آمریکا انجام شده است نیز میکائلا دی گروت^۳ و همکارانش از روش تحلیل محتوا استفاده می‌کنند و با بررسی ۵۰۰ نقل قول از مقامات درجه اول ایرانی طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ کوشش می‌کنند به تفسیری از ایستارهای ذهنی تصمیم‌سازان در ایران دست پیدا کنند. البته، این دو مطالعه هم در ارائه تصویر فراگیر و دقیق فرهنگ راهبردی ایران چندان موفق نبوده‌اند؛ اولی به علت محافظه‌کاری علمی و عدم طراحی دقیق پرسشنامه و دیگری به علت بی‌توجهی به پویایی و تداوم مفهوم فرهنگ راهبردی در تدوین راهبرد پژوهش، و نتیجه این شده است که خروجی عموم این پژوهش‌ها، تنها معرفی بعضی از منابع و ویژگی‌های محتمل برای فرهنگ راهبردی ایران باشد.

این درحالی است که جهت‌گیری کلی دانش روابط بین‌الملل روزبه‌روز بیشتر به سمت به رسمیت شناختن نقش فرهنگ، انگاره‌ها، باورها، هنجارها و حتی عوامل روان‌شناختی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل پیش می‌رود. از سوی دیگر، کشور ایران به عنوان میراث‌دار هزاره‌ها، تمدن، فرهنگ، مناسک حکومت‌داری و آداب سیاست‌ورزی، یکی از نخستین نامزدها برای بررسی چگونگی تأثیر فرهنگ راهبردی بر تصمیم‌سازی‌های بین‌الملل است. در عین حال، ایران یکی از سردمداران بومی‌گرایی و مدافعان حفظ و ترویج رویه‌های فرهنگی و ارزشی داخلی در عرصه جهانی است. از این رو، پرداختن به مبحث فرهنگ راهبردی در مورد ایران چه بسا لزوم و فوریتی بیش از سایر کشورها داشته باشد.

مقاله حاضر با درک این ضرورت پژوهشی، فرهنگ راهبردی ایران در یکی از مهم‌ترین نقاط عطف خود؛ یعنی مقطع دهه نخست پس از انقلاب را به کاوش گذاشته

-
1. Deconstructing Iranian Speech: A Strategic Culture Analysis
 2. University of Wisconsin-Madison
 3. Mikaela DeGroot

است. با وجود اهمیت دوران ساز این مقطع و تغییرات گسترده در شیوه ادراک، تحلیل و اجرای سیاست امنیتی و دفاعی ایران در طول آن، آثاری که به روش علمی، فرهنگ راهبردی کشور در این دوران را بررسی کرده و نتایج آن بر راهبردهای کشور را سنجیده باشند، انگشت‌شمارند. این مقاله می‌کوشد برای نخستین بار با استفاده از روش نقشه‌برداری ادراکی یا شناختی^۱ به این سؤال پاسخ دهد که مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب چه بوده است؟ به این ترتیب، این مقاله از طریق ترسیم و تحلیل نگرش و ادراک راهبردی امام خمینی به عنوان مهم‌ترین تصمیم‌گیرنده کشور، تصویری از فرهنگ راهبردی کشور طی دوران مذکور ارائه می‌کند. برای پاسخ دادن به پرسش‌های مقاله، ابتدا چارچوبی مفهومی با تشریح فرهنگ راهبردی و مطالعات امنیتی سازه‌انگاران ارائه و پس از آن، روش نقشه‌برداری ادراکی و ملزومات آن به‌عنوان روش این تحقیق تشریح می‌شود. بخش‌های بعدی مقاله حاوی یافته‌های تحقیق هستند که با ارائه نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام خمینی آغاز می‌شود و با تشریح مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران در دهه نخست پس از انقلاب ادامه پیدا می‌کند. در انتها نیز نتیجه‌گیری از مجموعه مباحث ارائه خواهد شد.

۲. مبحث نظری: فرهنگ راهبردی و مطالعات امنیتی سازه‌انگاران

با توجه فزاینده به نقش عوامل معنایی و فرهنگی در حیطه مطالعات امنیتی، چند دهه‌ای است که بحث «فرهنگ راهبردی» در مطالعات امنیتی و سیاسی مطرح شده است. موضوع اصلی فرهنگ راهبردی، توضیح عوامل فرهنگی مؤثر در انتخاب راهبردها و بررسی چگونگی استفاده از زور است. در واقع، فرهنگ راهبردی درصدد تبیین این موضوع است که چرا کشورهایی با ساختارهای مادی مشابه، راهبردهای متفاوتی را انتخاب می‌کنند. در

قالب فرهنگ راهبردی است که وضعیت گرایش دولت‌ها به استفاده از نیروی نظامی و جایگاه نیروهای نظامی در منازعات بین‌المللی مشخص می‌شود.

ارتباط امور نظامی - راهبردی با عوامل و محرک‌های غیرفیزیکی، مبحثی دیرین است و حتی در نوشته‌های کسانانی چون سون‌تزو^۱ و توسیدید^۲ نیز مشاهده می‌شود. بعدها متفکران بزرگ دیگری مثل کلاوس‌ویتس^۳ انگاره‌های جدیدتری در باب دخالت عوامل غیرفیزیکی در طرح‌ها و اقدامات راهبردی مطرح کردند. در بسیاری از جنگ‌های بزرگ نیز، از جمله جنگ‌های ناپلئون بناپارت، جنگ جهانی اول و جنگ جهانی دوم، موضوع دخالت مشخصه‌های فرهنگی ملی در جنگ بسیار محسوس بوده است. در جنگ جهانی دوم، رهبران آلمان و ژاپن گزینه‌های راهبردی‌ای را به کار گرفتند که عمیقاً تحت تأثیر عوامل فرهنگی ملی قرار داشتند. این ویژگی‌های فرهنگی در پیشبرد برنامه‌های تهاجمی دو کشور نقش چشمگیری داشتند (Lantis, 2009:33).

در نیمه دوم سده بیستم، با تولید آثار متعددی در حوزه مطالعات راهبردی، به تدریج مباحث جدی‌تری پیرامون ارتباط فرهنگ و راهبرد مطرح شد. در سال ۱۹۷۳ راسل ویلی^۴ کتابی با عنوان شیوه آمریکایی جنگ منتشر کرد که در آن سبک و سیاق جنگ آمریکایی‌ها را که از همان زمان جنگ‌های استقلال شکل و قوام گرفته، مورد بحث و بررسی قرار می‌داد. در این اثر، شیوه جنگ آمریکایی‌ها با توجه به علایق فرهنگی‌شان مورد بحث قرار می‌گیرد (Weigley, 1973). در سال ۱۹۷۷ جک استایدر^۵ در اثر معروفش؛ یعنی فرهنگ راهبردی شوروی: دلالت‌هایی برای عملیات هسته‌ای محدود به‌طور مشخص‌تری از «فرهنگ راهبردی» صحبت کرد. تعریفی که وی از این اصطلاح ارائه داد، عبارت بود از «پاسخ‌های

-
1. Son Tzu
 2. Thucydides
 3. Carl von Clausewitz
 4. Russel Weigley
 5. Jack Snyder

احساسی شرطی شده و الگوهای رفتاری همیشگی که اعضای جامعه راهبردی ملی از طریق آموزش یا تقلید کسب کرده‌اند» (Snyder, 1977: 8). اسنایدر در این پروژه تحقیقاتی، به اندیشه و رفتار راهبردی اتحاد شوروی پرداخته و استدلال می‌کند که شرایط تاریخی و فرهنگی متفاوت شوروی با آمریکا باعث تفاوت راهبرد هسته‌ای دو کشور شده است.

به این ترتیب، پس از کارهای متنوعی که در دهه ۱۹۷۰ در زمینه ارتباط فرهنگ و راهبرد انجام شد، به تدریج مفهوم فرهنگ راهبردی در میان محققان جا افتاد و تعاریف متنوع‌تری از آن ارائه شد. کالین گری^۱ از محققان برجسته این عرصه، در مقاله‌ای با عنوان «سبک ملی در راهبرد: نمونه آمریکا»^۲ فرهنگ راهبردی را چنین تعریف می‌کند: شیوه‌های اندیشه و عمل با توجه به نیرویی که از تصور تجربه تاریخی ملی، اشتیاق برای رفتار پاسخ‌گویانه در شرایط ملی و حتی فرهنگ کشوری و شیوه زندگی نشأت می‌گیرد. بنابراین، فرهنگ راهبردی محیطی را فراهم می‌کند که در آن راهبرد مورد بحث و مناظره قرار می‌گیرد و به صورت متغیر مستقل در الگوهای سیاست‌گذاری راهبردی عمل می‌کند (Gray, 1981: 36). بر این اساس، فرهنگ راهبردی آن بخش از فرهنگ عمومی است که در حوزه دفاع و امنیت نقش مهمی در تعیین مفاهیم و مصداق‌ها ایفا می‌کند. این که مردمان هر کشور چگونه مفهوم امنیت، دشمن، رقیب و یا متحد را معنا می‌کنند و یا چگونه و بر اساس چه اصولی با دشمن مقابله می‌کنند، تا حد زیادی تحت تأثیر فرهنگ آنها قرار دارد (Gray, 2007: 7).

تعریف جامع‌تر اما از آن آلستر جانستون^۳ است. بر اساس تعریف او فرهنگ راهبردی، سامانه‌ای منسجم از نمادها (استدلال‌ها، ساختارها، زبان، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و ...) است که ترجیحات راهبردی طولانی‌مدت و فراگیر را از طریق صورت‌بندی مفاهیم و نقش‌ها و اثربخشی نیروهای نظامی در امور سیاسی بین دولت‌ها ایجاد می‌کند. به این

1. Colin Gray

2. National Style in Strategy: The American Example

3. Alastair I. Johnston

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی.../ ۷

ترتیب، فرهنگ راهبردی محیط اندیشه‌ای است که گزینه‌های رفتاری را محدود می‌کند (Johnston, 1995: 46).

با این توصیفات و تعاریف، روشن است که یکی از چارچوب‌های مناسب برای بنیاد نهادن پایه‌های فرهنگ راهبردی، سازه‌انگاری است. سازه‌انگاری سه گزاره اصلی هستی‌شناختی دارد: اولاً، سازه‌انگاران برآنند که ساختارهای هنجاری یا فکری مانند ساختارهای مادی اهمیت دارند؛ ثانیاً، سازه‌انگاران معتقدند که فهم اینکه چگونه ساختارهای غیرمادی، هویت‌های کنشگران را مشروط می‌کنند، اهمیت دارد. آنها ضمن تاکید بر چگونگی تبیین شکل‌گیری منافع، هویت‌های اجتماعی افراد یا دولت‌ها را در کانون توجه خود قرار می‌دهند؛ ثالثاً، سازه‌انگاران ادعا می‌کنند کارگزاران و ساختارها به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌بخشند (Hopf, 1998: 183). چنین درکی از سپهر روابط بین‌الملل نه تنها قرابت زیادی با مفهوم و آثار موجود در زمینه فرهنگ راهبردی دارد؛ بلکه می‌تواند زمینه‌ای نظری برای فهم نقش تکوینی آن نیز محسوب شود.

در این مقاله، با توجه به بعد امنیتی و راهبردی موضوع از یک سو و بعد فرهنگی و ادراکی آن از سوی دیگر، از میان مجموعه دیدگاه‌های سازه‌انگاران، توجه ویژه به چارچوب مطالعات امنیتی سازه‌انگاران است که کاتزنشتاین^۱ و همکارانش در کتاب فرهنگ امنیت ملی^۲ ارائه کرده‌اند. این سامانه مفهومی که اصول آن در مقاله «هنجارها، هویت و فرهنگ در امنیت ملی»^۳ تشریح شده است، به جهت تبیین دقیق ارتباط میان امنیت و فرهنگ در چارچوب مرزهای دولت-ملت و فراتر از آن، ابزار تحلیلی مناسبی برای بررسی فرهنگ راهبردی ایران به دست می‌دهد. خطوط کلی این سامانه مفهومی را می‌توان زیر این پنج عنوان برشمرد:

1. Peter J. Katzenstein

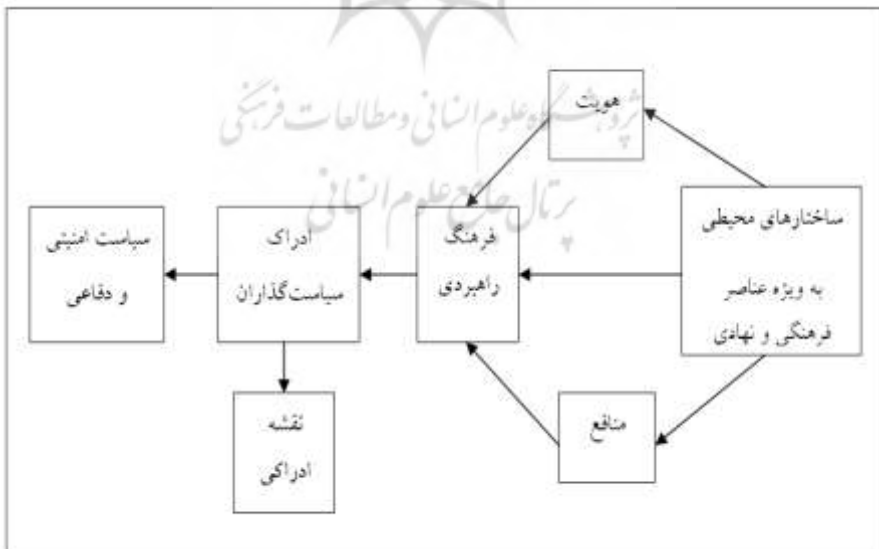
2. The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics

3. Norms, Identity, and Culture in National Security

- ۱- عناصر فرهنگی یا نهادی محیط‌های دولت (برای نمونه، فرهنگ و هنجارها) منافع ملی دولت یا مستقیماً سیاست‌های امنیتی آن را شکل می‌دهند.
۲. عناصر فرهنگی یا نهادی محیط‌های داخلی یا جهانی دولت (مثلاً فرهنگ و هنجارها) هویت دولت را شکل می‌دهند.
۳. تفاوت در هویت دولت یا تغییرات در هویت دولت، منافع امنیتی ملی یا سیاست‌های دولت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
۴. ترکیب‌بندی هویت دولت، ساختارهای هنجاری بین دولتی مانند رژیم‌ها یا جوامع امنیتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
۵. سیاست‌های دولت، ساختار فرهنگی و نهادی را هم بازتولید و هم نوسازی می‌کند (Jepperson & et al, 1996: 58-84).

به این ترتیب، چارچوب نظری این مقاله را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:

تصویر ۱: چارچوب نظری مقاله



نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی .../ ۹

روشن است که ادراک سیاست‌گذاران و رهبران، از یک سو بازنمود فرهنگ راهبردی یک جامعه و کشور محسوب می‌شود و از سوی دیگر، منشاء شکل‌دهی و تغییر و تنظیم سیاست‌ها به حساب می‌آید. ما برای فهم فرایندهای بین‌المللی، ابتدا نیاز داریم نقشه ادراک بازیگران این فرایند را ترسیم کنیم؛ زیرا عوامل بیرونی به‌تنهایی تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها نیستند؛ حتی اگر این متغیرهای بیرونی طیف انتخاب‌های حیاتی را محدود و به‌عنوان محرکی برای اصلاح مفروضات کانونی سیاست خارجی عمل کنند، درنهایت، منبع تغییر بر این محور قرار می‌گیرد که رهبران چگونه محیط خارجی و منافع ملت‌شان در این محیط را می‌بینند (Kegley, 1994: 35).

فرهنگ راهبردی درواقع، سامانه‌ای از مفاهیم امنیتی و دفاعی، ارتباطات بین آنها و طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آنهاست که طبیعتاً بهترین راه برای رهگیری آن، ثبت شیوه ادراک و نگرش نخبگان امنیتی است. از این رو، برای ترسیم فرهنگ راهبردی یک کشور و نشان دادن ارتباط و تأثیرگذاری آن بر سیاست خارجی و امنیتی آن کشور، یکی از بهترین روش‌ها، سنجش و کاوش ادراک رهبران و تصمیم‌سازان است. اگرچه این کار چندان آسان نیست؛ اما طی دهه‌های گذشته، چندین روش برای آن پیشنهاد شده که از میان آنها، روش نقشه‌برداری ادراکی، بهترین نتایج را به‌دنبال داشته است. در این مقاله، با استفاده از همین روش، نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام خمینی (ره) ترسیم شده و همین نقشه پایه توصیف فرهنگ راهبردی ایران قرار می‌گیرد.

نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام، برای نخستین بار تصویری کامل و جامع از سپهر امنیت در باور ایشان ارائه می‌کند. به این ترتیب، می‌توان درکی قرین صحت از شیوه اندیشیدن امام به موضوع‌های راهبردی، استدلال‌ها و استنتاجات ایشان برای اتخاذ یک تصمیم راهبردی و شیوه تحلیل و ارزیابی مسایل امنیتی رخ داده، پیدا کرد. برای رسیدن از این نقشه به فرهنگ راهبردی، باید توجه داشت که رفتار دولت‌ها تحت هدایت اندیشه‌ها و

شخصیت تعداد زیادی از افرادی است که نمی‌توان آنها را وارد موقعیت کنترل شده‌ای کرد و تحت مطالعه قرار داد. با فرض اینکه رفتار سیاسی، در ادراکات افرادی ریشه دارد که تحت تاثیر الگوهای رفتاری وسیع‌تری مثل فرهنگ راهبردی قرار دارند؛ اما برای فهمیدن فرهنگ راهبردی، لزومی ندارد که همه افراد را جداگانه بفهمیم. اگرچه هر فردی در جریان تاریخ و برساخته شدن محیط جاری اهمیت دارد؛ اما در کوتاه‌مدت تعداد اندکی از اشخاص رفتار سیاسی دولت‌ها را کنترل می‌کنند. به این ترتیب، مسأله مهم‌تر این است که مشخص کنیم مواضع چه کسانی در یک نقطه خاص زمانی اهمیت دارد، و محتوا و فرایند ادراکی این تعداد نسبتاً اندک از افراد را استنباط کنیم (Young & Schafer, 1998: 66). با توجه به اینکه امام خمینی طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ مهم‌ترین تصمیم‌گیرنده کشور محسوب شده و اندیشه‌های ایشان تأثیر قاطعی بر شکل‌گیری نظام حکومتی جدید کشور، تعیین ساختار نهادهای مرتبط با دفاع و امنیت و نهادهای مرتبط با طراحی راهبردی داشته است، نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام را می‌توان به‌عنوان مرجع بسیار مناسبی برای فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب دانست. در طی این دوران به‌جز یک مقطع کوتاه در زمان ریاست جمهوری بنی‌صدر، امام خود فرماندهی کل قوا را نیز به‌عهده داشته و روشن است که نگرش راهبردی ایشان تا چه اندازه بر تعیین دکترین امنیتی کشور تأثیرگذار بوده است.

۳- روش نقشه‌برداری ادراکی

این مقاله قصد دارد با بررسی متون راهبردی در طول دوره رهبری امام، از آن میان بهترین حاملان فرهنگ راهبردی را یافته و با استفاده از آنها به استخراج مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران در طول این دوران بپردازد. به این ترتیب، طبیعتاً انتخاب اول محقق روش‌های تحلیل و بررسی متن خواهد بود. از میان این مجموعه روش‌ها، در این پژوهش

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی .../ 11

از یکی از کارآمدترین آنها؛ یعنی نقشه‌برداری ادراکی¹ استفاده می‌شود. در حوزه روابط بین‌الملل، نقشه‌برداری ادراکی تکنیکی روش‌شناختی برای دسترسی به ساختار علیّی بازنمایی‌های ادراکی سیاست‌گذاران از عرصه سیاست است (Axelrod, 1976: 72). این روش برای نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ میلادی و توسط روان‌شناسان برای ترسیم نقشه ذهنی افراد معرفی شد؛ اما به‌جهت کارایی فوق‌العاده آن در تحلیل طرز تفکر و کنش افراد و گروه‌ها و حتی پیش‌بینی آن، به‌سرعت به دیگر شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی سرایت کرد. هدف از کاربست این روش بررسی، سامان‌دهی و اولویت‌بندی داده‌های خام برای دست‌یافتن به یک طرح شماتیک (یا همان نقشه ادراکی) از باورها، انگیزه‌ها، و ایستارهای یک فرد، یک گروه، یک متن و نظایر آن است.

روش نقشه‌برداری ادراکی طی سال‌های گذشته توسط دانشورانی از مکاتب گوناگون روابط بین‌الملل؛ به‌ویژه در رویکردهای ادراکی به تحلیل سیاست خارجی مورد استفاده قرار گرفته؛ اما این روش با چهارچوب نظری سازه‌انگاری نیز تناسب دارد؛ زیرا می‌تواند به شناخت ما از پایه‌های فکری و ادراکی که خود از یک سو مبتنی بر آموزه‌های فرهنگی هستند و از سوی دیگر، با تبدیل شدن به یک نیروی بیناذهنی به دلیل تسلطشان در یک سامانه سیاسی به فرهنگ شکل می‌دهند، کمک کند. کوشش برای به‌رسمیت شناخته شدن ادراک در پویایی‌های روابط بین‌الملل توسط سازه‌انگاری همدوش کوشش برای ثبت و ترسیم ادراک در روابط بین‌الملل از طریق روش نقشه‌برداری ادراکی قرار دارد. به این ترتیب، کنار هم قرار گرفتن این دو سامانه مفهومی، قابلیت خوبی برای دسترسی به فرهنگ راهبردی کشورها در اختیار محققان قرار می‌دهد.

شناخت یا ادراک، درحقیقت کانون مطالعه امور بین‌المللی و زیربنای مفاهیمی مثل امنیت، قدرت و منافع است. با این حال، تا همین اواخر روش‌شناسی‌هایی برای تحلیل

نظام‌مند ادراک به وجود نیامده بود. مایکل یانگ و مارک شيفر^۱ دو دهه پیش، چهار روش یا نظریه اصلی را برای کاوش شناخت‌ها و ادراکات در امور جهانی پیشنهاد دادند که یکی از آنها نقشه‌برداری ادراکی است (۲). آنها از میان این روش‌ها، نقشه‌های ادراکی را از آنجا که حداکثر اطلاعات ممکن را از متون استخراج می‌کند و همه اطلاعات لازم برای ترسیم خروجی سایر روش‌ها را نیز در خود دارد، به عنوان مناسب‌ترین روش پیشنهاد می‌دهند (Young & Schafer, 1998: 89). از نظر راوی عبدالعال^۲ و همکارانش، نقشه‌برداری ادراکی روشی بسیار مناسب برای تعیین پیوستگی انتظارات نقشی با طبقه‌بندی‌های خاص در ذهن بازیگران است (Abdelal & et al, 2001: 15). به باور سیلویا براون^۳ در مقایسه با سایر روش‌های استنباط از داده‌ها، روش نقشه‌برداری ادراکی از نظر صدق و غنای داده‌ها و جوابگویی در بالای فهرست روش‌ها قرار می‌گیرد (Brown, 1992: 290). آلستر جانسون نیز معتقد است برای تحلیل فرهنگ راهبردی، یکی از بهترین شیوه‌ها استفاده از روش نقشه‌برداری ادراکی است (Johnston, 1995: 49).

رابرت اکسلراد^۴ به عنوان مبدع استفاده از این روش در علوم سیاسی می‌خواست ابزاری برای سیاست‌گذاران فراهم سازد تا بتوانند به ارزیابی استدلال‌های خود بپردازند و از ساده‌سازی غیرضروری محیط‌های پیچیده تصمیم‌گیری پرهیز کنند. نقشه‌های ادراکی از دو عنصر اصلی تشکیل شده‌اند: مفاهیم، که از طریق نقاط نشان داده می‌شوند و باورهای علی (رابطه میان مفاهیم) که از طریق فلش‌ها و پیکان‌های مرتبط‌کننده نقاط به همدیگر نشان داده می‌شوند. یک متغیر مفهومی تعریف ساده‌ای دارد: چیزی که می‌تواند ارزش‌های مختلفی را حمل کند (مانند هزینه‌های نظامی، امنیت ملی و توازن تجاری یک کشور).

-
1. Michael D. Young and Mark Schafer
 2. Rawi E. Abdelal
 3. Sylvia M. Brown
 4. Robert Axelrod

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی ... / ۱۳

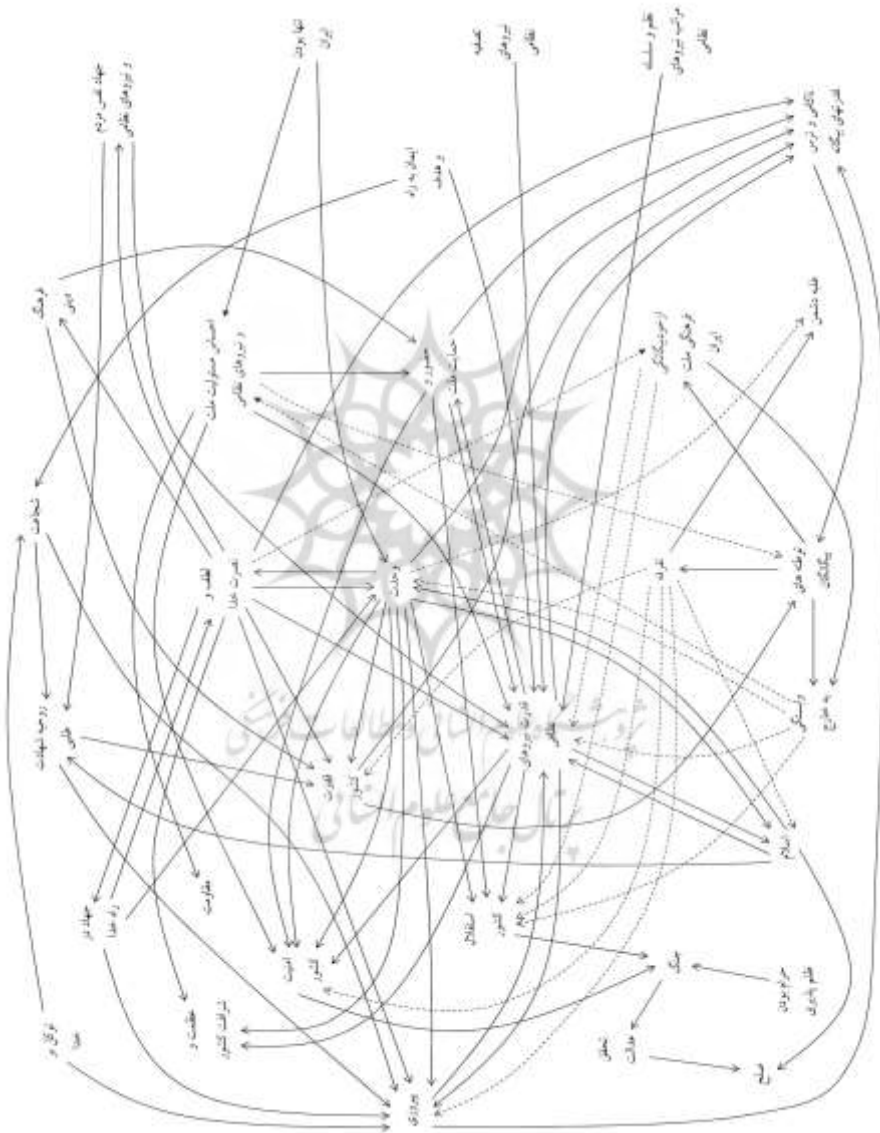
باورهای علی در جایی به وجود می‌آیند که تصمیم‌سازان تصور کنند تغییر در یک متغیر مفهومی، به تغییر در متغیر دیگری منجر خواهد شد (Tetlock & McGuire, 1986: 156). در این مقاله، از میان انواع فنون نقشه‌برداری ادراکی، روش پیشنهادی اکرم، ایدن و کراپر^۱ (Ackermann & et al, 1992: 1-13) برای تهیه نقشه ادراکی استفاده می‌شود. بر اساس این تکنیک، دوازده مرحله مجزا باید طی شود تا یک متن به‌عنوان منبع اصلی مورد مطالعه در استخراج داده‌ها، به شکل یک نقشه ادراکی درآید.

برای انتخاب متون راهبردی حامل نگرش‌های امنیتی امام خمینی که پایه ترسیم نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام قرار می‌گیرند، سه معیار خودانگیختگی، غنای محتوای راهبردی و مخاطبان به‌عنوان ملاک انتخاب متون مد نظر قرار گرفت. با بررسی صحیفه ۲۲ جلدی امام خمینی که شامل مجموعه کامل بیانات کتبی و شفاهی ایشان است، مجموعه ۳۲ سخنرانی در جمع فرماندهان نظامی یافته شد. این مجموعه سخنرانی‌ها که طی یک دهه در طول سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷ ایراد شده‌است، مبنای تحلیل محتوا و ترسیم نقشه ادراکی امنیتی امام قرار گرفت. این مجموعه تمام معیارهای انتخاب متن مورد نظر را تأمین می‌کرد. با توجه به اینکه این مجموعه را سخنرانی‌هایی تشکیل می‌دهد که همگی بدون ویرایش و بدون متن از پیش آماده شده ایراد شده‌است، بالاترین استاندارد خودانگیختگی و تناظر با ادراک گوینده را دارد. حضور فرماندهان نظامی از سپاه، ارتش و نیروی انتظامی به‌عنوان مخاطبان این سخنرانی‌ها، معیار مخاطب را تأمین می‌کند. در ارتباط با موضوع و محتوا نیز وجود فرماندهان نظامی به‌عنوان مخاطب، غنای محتوای راهبردی این سخنرانی‌ها را تضمین می‌کرد که مطابق انتظار، با بررسی انجام‌شده تمامی سخنرانی‌ها حاوی محتوای راهبردی بودند.

به این ترتیب، با طی کردن دوازده مرحله تکنیک نقشه‌برداری ادراکی اکرمین، ایدن و کراپر، نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام ترسیم شد. در این مراحل، تحلیل محتوای ۳۲ سخنرانی راهبردی امام انجام گرفت و مفاهیم راهبردی ثبت و کلیه ارتباطات علی‌مثبت و منفی بین مفاهیم راهبردی در بیانات امام رمزگذاری شد. سپس مجموعه این مفاهیم و رمزگذاری‌ها به شکل یک نقشه جامع ترسیم و پس از انجام اصلاحات مربوطه؛ از جمله حذف مفاهیم بسیار کم‌کاربرد، به شکل نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام خمینی (ره) در قالب تصویر ۲ ارائه شده است. در این نقشه، پیکان‌ها نشان‌دهنده رابطه علی بین مفاهیم و جهت این رابطه هستند. پیکان‌های ممتد، ارتباط علی افزایشی یا مثبت را نشان می‌دهند و پیکان‌های خط چین، نشان‌دهنده ارتباط علی کاهشی یا منفی هستند.



تصویر ۲: نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام خمینی (ره)



۴. فرهنگ راهبردی ایران: ۱۳۵۸-۱۳۶۸

با اتکا به نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام خمینی (ره) می‌توان فرهنگ راهبردی مستتر در آن را به‌خوبی شناسایی و ارائه کرد. ماهیت مفاهیم موجود در نقشه، دسته‌بندی موضوعی شماری از مفاهیم، ارتباطات بین این مفاهیم، سویه ارتباط بین مفاهیم، مثبت یا منفی بودن این ارتباط، کم ارتباط یا پرارتباط بودن مفاهیم (حاشیه‌ای یا کانونی بودن مفاهیم) و نیز فقدان بخشی از مفاهیم مورد انتظار، همگی به تحلیل دقیق و جامع از ادراک امنیتی و نگرش راهبردی امام و توصیف و ترسیم فرهنگ راهبردی متأثر برآن کمک می‌کند. به این ترتیب، اکنون با در دست داشتن نقشه، گام بعدی محققان، خواندن نقشه و تفسیر نقشه موجود با روش‌های تحلیلی است. با بررسی نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام در گام نخست می‌توان مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب را بدین ترتیب برشمرد:

- عاملیت الهی: یکی از مهم‌ترین مفاهیم تصویر (۲) لطف و نصرت الهی است که زمینه‌ساز امنیت و پیروزی محسوب می‌شود. در کنار آن، شمار دیگری از مفاهیم نیز مؤید به‌رسمیت شناخته شدن شأن کارگزاری برای خداوند در مناسبات فیزیکی امنیت ایران است.

- تنهایی راهبردی ایران: این مفهوم ریشه‌های جغرافیایی، ژئوپلیتیک و مذهبی دارد. پس از انقلاب، بستر سیاسی و ایدئولوژیک نیز به این مجموعه افزوده شده است تا باور به تنها بودن ایران در منطقه و جهان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی کشور نمایان شود.

- اهمیت نظامیگری حرفه‌ای و کلاسیک: باوجود تغییر کامل نخبگان حاکم و فرهنگ سیاسی آنان در ایران پس از انقلاب، باور به نقش بی‌بدیل نیروهای نظامی کلاسیک در سپهر امنیت کشور به‌وضوح در نقشه دیده می‌شود. قدرت نیروهای نظامی پراجاع‌ترین مفهوم نقشه است و به مبانی‌ای از جمله احساس مسئولیت نیروهای نظامی و لزوم رعایت

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی .../ 17

قواعد نظامیگری؛ از جمله نظم و سلسله مراتب در افزایش توان این نیروها نیز اشاره شده است.

- اهمیت دفاع مردمی: به این مؤلفه با مفاهیمی مثل احساس مسئولیت، حضور ملت در صحنه و مقاومت در نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام اشاره شده است.

- مقاومت و پایداری: وجود خود مفهوم مقاومت، به عنوان یکی از مفاهیم نقشه علاوه بر جهاد در راه خدا، شجاعت و شهادت طلبی نشان می دهد که ایستادگی یکی از مؤلفه های مهم فرهنگ راهبردی ایران است.

- استحکام فرهنگی ملی: یکی از مهم ترین عوامل کاهش دهنده امنیت و قدرت کشور در نقشه فوق، از خود بیگانگی فرهنگی است که موجب وابستگی کشور خواهد شد. از این رو، حفظ استحکام فرهنگ ملی را می توان یکی از مؤلفه های فرهنگ راهبردی کشور دانست.

- شهادت طلبی: نقش کانونی این عنصر در پیروزی و حتی تعریف پیروزی، نشان دهنده جایگاه این مؤلفه در سپهر فرهنگ راهبردی کشور است.

- اهمیت وحدت ملی: به نظر می رسد کانونی ترین مفهوم امنیت ساز در نقشه بالا، وحدت است. این مفهوم به طور مستقیم بر قدرت، امنیت و استقلال کشور و نیز پیروزی کشور بر دشمنان تأثیرگذار است. در مقابل، تفرقه اصلی ترین عامل ضد امنیتی کشور به حساب می آید. به این ترتیب، باور به تأثیر وحدت ملی بر پیروزی، احتمالاً مهم ترین مؤلفه فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب محسوب می شود.

- ایمان به غیب: حتی نگاهی گذرا به نقشه فوق به خوبی نشان می دهد که باور به غیب جزو مؤلفه های برجسته فرهنگ راهبردی ایران به شمار می آید. نه تنها نصرت الهی، توکل، ایمان و شهادت طلبی؛ بلکه حتی جهاد نفس نیز در نقشه ادراک راهبردی امام نقش برجسته دارند و بدون آنها این نقشه کاملاً متفاوت می بود.

- عدالت: در نقشه بالا، عدالت یکی از معدود مفاهیمی است که با جنگ ارتباط مستقیم دارد. از این رو، باور به اینکه جنگ باید عادلانه و در راستای تحقق عدالت باشد، یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ راهبردی کشور در این دوران است.
- سوءظن به بیگانه: در کل نقشه، هیچ مفهومی که حاوی نکته‌ای مثبت در مورد بیگانگان یا امکان دوستی و ائتلاف با آنها باشد، دیده نمی‌شود. از این رو، سوءظن به بیگانه یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران محسوب می‌شود.
- اهمیت حمایت و پشتیبانی ملی: بر اساس نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام، حضور و حمایت ملت، نقش محوری در تأمین امنیت و استقلال کشور دارد و همچنین، به‌طور مستقیم بر قدرت نیروهای نظامی کشور نیز تأثیرگذار است.
- اهمیت شجاعت و ایثار: در فرهنگ راهبردی ایران، اساساً به کیفیت نیروهای انسانی بیش از کمیت آنها توجه می‌شود و به همین دلیل، توجه به متغیرهای روحی و روانی به‌وضوح در نقشه دیده می‌شود. در امتداد همین اندیشه، اهمیت شجاعت و ایثار یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی کشور محسوب می‌شود.
- صلح عادلانه: به نظر می‌رسد که در فرهنگ راهبردی ایران، صلح به شکل مطلق ارزش چندانی ندارد و در عوض صلح بر مبنای عدالت یا صلح عادلانه، یکی از مؤلفه‌های مهم آن به‌شمار می‌آید. در نقشه نیز روشن است که تحقق عدالت پیش زمینه صلح به‌شمار می‌آید.
- اعتماد به نفس: وجود باور به کفایت نیرو و ظرفیت‌های داخلی کشور برای مقابله با هر دشمنی؛ حتی قدرت‌های بزرگ جهانی، به‌خوبی در نقشه فوق هویدا است. به‌نظر می‌رسد در فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب، باور به امکان پیشبرد اهداف مهم کشور و ملت، با وجود همه مخالفت‌های جهانی دیده می‌شود. از این رو، اگرچه امنیت کشور موضوعی کاملاً بین‌المللی است؛ اما توان داخلی با رعایت مجموعه‌ای از نکات، برای

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی ... / ۱۹

درافکندن طرحی نو کاملاً آماده و مهیاست. به نظر می‌رسد که از این منظر، داشتن ایمان به راه و هدف، شجاعت و جهاد برای رسیدن به هر هدف راهبردی‌ای کفایت می‌کند.

- بلندپروازی راهبردی: وجود مفاهیمی مثل تحقق عدالت و نفی ظلم‌پذیری و در مقابل، ناکامی و ترس قدرت‌های بزرگ، نشان می‌دهد که در فرهنگ راهبردی ایران، امنیت مرز و محدوده‌ای ندارد. به این ترتیب، ایران به روشنی نقشه‌ای دگرگونه برای مناسبات جهان در سر دارد که از تبلیغ و پیگیری آن نیز دست برنمی‌کشد. قائل بودن به نقشی اصلی و جهانی برای خود در معادلات بین‌المللی، یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران در این دوره است.

- غرور و شرافت ملی: نه تنها تعریف نقش و جایگاه رفیع ایران در جهان و مفهوم عظمت و شرافت کشور؛ بلکه اهمیت رفع وابستگی به خارج و تسلیم‌ناپذیری و داشتن روحیه شجاعت و شهادت‌طلبی نیز نشان می‌دهد که غرور و شرافت ملی، یکی از مؤلفه‌های مهم فرهنگ راهبردی ایران به‌شمار می‌آید.

- اهمیت احساس مسئولیت و عمل به تکلیف: احساس مسئولیت ملت به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم نقشه ادراک راهبردی امام، یکی از پیش‌سازهای قدرت و امنیت کشور به‌حساب می‌آید. رویه بسیج ملی که نمونه بارز احساس مسئولیت ملت به‌شمار می‌آید، بهترین نمود این مؤلفه فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب است.

- خودیاری: عدم وجود نشانی از اتحاد و ائتلاف یا حتی کمک و همراهی دیگر کشورها با ایران نشان می‌دهد که در فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها خودیاری است. در نقشه فوق، تمام توجه به بالفعل کردن توان داخلی برای شکست دشمن و رفع آسیب‌پذیری‌های داخلی برای حذف امکان غلبه دشمن است.

- روحیه جنگاوری: در نقشه به‌خوبی روشن است که روحیه جنگاوری و ایستادگی و کوشش و فداکاری جزو مهم‌ترین وظایف آحاد ملت و از جمله مهم‌ترین عوامل قدرت

و امنیت کشور به‌شمار می‌آید. روحیه جنگاوری در میان ایرانیان، یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی کشور به‌حساب می‌آید.

- احساس ناامنی: اهمیت مفهوم قدرت و استقلال کشور در نقشه بالا که تحت تأثیر منفی توطئه‌های بیگانگان و وابستگی به خارج قرار دارد، نشان‌دهنده وجود احساس خطر مداوم از خارج از مرزهای کشور است. ژئوپلیتیک بحرانی منطقه، در کنار منابع سرشار ایران و سوابق تاریخی، موجب شیوع ترس دائمی از مورد حمله قرار گرفتن شده و احساس ناامنی را به یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران تبدیل کرده است.

- احساس خطر از داخل: اهمیت فوق‌العاده وحدت و تفرقه در نقشه ادراکی امام، تنها نشان‌دهنده تحولات ابتدای انقلاب، بازیگران متعارض هویتی و گرایش‌گریز از مرکز در کشور نیست. بافت و ساخت کشور ایران با شکاف‌های متفاوت مذهبی و قومی، باعث احساس خطر مداوم فروپاشی از داخل کشور شده که خود می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات امنیتی خارجی شود. از این رو، احساس خطر از داخل یکی از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران به‌شمار می‌آید.

علاوه بر مؤلفه‌ها، ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب را نیز می‌توان از نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام استخراج کرد. این ویژگی‌ها شامل موارد زیر هستند:

- جمع‌گرایی: یکی از ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران، جمع‌گرایی شدید در موضوع امنیت است. براساس این نگرش، افراد اهمیت چندانی ندارند و باید افراد جهاد نفس‌کنند، شجاع، مقاوم و آماده شهادت باشند تا جزو امواج ملت آماده خدمت به اهداف ملی و اسلامی شوند.

- فضیلت‌محوری: فرهنگ راهبردی ایران پر از مفاهیم متعالی مثل عدالت، صلح، شجاعت و ایمان است. به‌نظر می‌رسد چنین رویکرد راهبردی‌ای در عمل، نوع خاصی از جنگ و دفاع را تجویز می‌کند.

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی ... / ۲۱

- پیچیدگی و چندبعدی بودن: مروری بر نقشه ادراکی بالا و مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران به‌خوبی نشان می‌دهد که فرهنگ راهبردی ایران مجموعه بسیطی از چند مؤلفه که در ارتباط مستقیم با امنیت قرار دارند نیست؛ بلکه نشان‌دهنده باورهای امنیتی یک کشور با سابقه تاریخی و فرهنگی طولانی است.

- پویایی و آینده‌نگری: در فرهنگ راهبردی ایران، مؤلفه‌ها رنگی از ایستایی و ثبات ندارند. به‌نظر می‌رسد که امنیت در این دیدگاه مفهومی در زمانی و بلندمدت است. به این ترتیب، در این بستر فکری، هدف صرفاً تأمین امنیت کشور در مقطع گذرای کنونی نیست و ایران آینده‌ای طولانی و بلندمدت و اهدافی بلندپروازانه دارد که برای انجام آن باید طی چندین نسل و چه بسا چندین قرن کوشش کرد.

- تاریخ‌گرایی: تأثیر تاریخ طولانی کشور بر بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی ایران هویداست و نشان می‌دهد که در این فرهنگ، امنیت، منازعه، مقاومت و ... به شکلی تاریخی درک و تحلیل می‌شوند؛ نه به‌عنوان پدیده‌های یکتای بدون عقبه.

- حق‌محوری: مرزبندی روشن حق و باطل و دوست و دشمن، ناشی از نگرشی سیاه و سفید به حقیقت، به‌عنوان منشاء صلح و امنیت است. براساس این ادراک امنیتی، تا وقتی حق تثبیت نشود، امنیت هم به‌طور کامل و نهایی محقق نخواهد شد.

- آرمان‌گرایی: به‌نظر می‌رسد که فرهنگ راهبردی ایران مبتنی بر قائل بودن نقشی جهانی در معادلات بین‌المللی برای ایران است. همچنین، برخی از اهداف راهبردی که در قالب فرهنگ راهبردی کشور قرار گرفته‌اند، آرمان‌هایی بلند هستند که به‌وضوح فراتر از صرف حفظ موجودیت و دفاع از خود می‌روند.

- شیعه‌محوری: تأثیر باورهای شیعی بر بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگ راهبردی کشور هویداست. باورهای مذهبی هم در تعیین اهداف راهبردی و هم در تعیین روش‌های دستیابی به آنها، بر فرهنگ راهبردی کشور تأثیرگذار بوده‌اند.

- خوداتکایی: تنها بودن ایران و سوءظن به بقیه که باعث شده هیچ نشانی از اتحاد و ائتلاف در نقشه بالا دیده نشود، به تقویت عمیق حس خوداتکایی در فرهنگ راهبردی ایران منجر شده است. به این ترتیب، در فرهنگ راهبردی ایران پس از انقلاب، تمام توجه به داخل کشور و ظرفیت‌های آن برای دفاع از کشور متمرکز شده است.

- تکلیف‌گرایی: مؤلفه‌های متعددی از فرهنگ راهبردی ایران نشان‌دهنده باور به انجام تکلیف هستند. روحیه ادای وظیفه عاملی برای بسیج نیروها در دفاع از کشور محسوب می‌شود.

- رسالت‌باوری: فراتر از صرف دفاع و حفظ استقلال کشور، به نظر می‌رسد که فرهنگ راهبردی ایران مبتنی بر وجود رسالتی ملی و اسلامی برای کشور است. به این ترتیب، احساس وجود برنامه‌ای برای آینده که وظیفه اجرای آن به عهده ایران است، جزو ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران است.

- مردم‌محوری: در فرهنگ راهبردی ایرانی درکنار نیروهای نظامی و حتی بیش‌تر از نیروهای نظامی، این مردم هستند که مستقیماً وظیفه حفظ و پیشبرد کشور را برعهده دارند. در چنین فرهنگی، پیوند بین امنیت با رضایت و حمایت عمومی وجود دارد که در نقشه ادراکی بالا می‌توان به وضوح آن را دید.

- جهان‌گرایی: با اینکه ایران قدرت منطقه‌ای محسوب می‌شود، سطح تحلیل امنیت و منازعه در فرهنگ راهبردی کشور به وضوح جهانی است. هم ریشه تهدیدات، هم اهداف راهبردی و هم روش‌های تأمین امنیت در سطح جهانی تفسیر می‌شوند و از این رو، امنیت در این فرهنگ، جهانی دیده و ادراک می‌شود.

- آسیب‌محوری: در فرهنگ راهبردی ایران بیش از تهدیدات، این آسیب‌پذیری‌ها هستند که واجد اهمیت‌اند. توجه به آسیب‌های امنیتی مثل تفرقه و وابستگی، به روشنی نشان می‌دهد که رفع ضعف‌های داخلی در اولویت اصلی قرار دارد.

۵. نتیجه‌گیری

مروری بر منابع مرتبط با فرهنگ راهبردی ایران نشان می‌دهد که باور به وجود یک فرهنگ راهبردی متمایز و غنی در امور راهبردی ایران وجود دارد. در مورد این فرهنگ اما کاوش‌های دقیق و روشمند که با ضریب اطمینان بالا به توصیف آن پرداخته و ریشه و پیشینه آن را از یک سو، و عواقب و نتایج آن را از سوی دیگر تبیین کند، چندان به چشم نمی‌خورد. این درحالی است که انقلاب اسلامی با روی کار آوردن نخبگان بومی‌گرا نقش مهمی در رونمایی از این سبک ملی داشته است و چه بسا زاویه‌ای را که عموماً بین رویکردهای رایج امنیتی با رویه‌های جمهوری اسلامی دیده می‌شود، بتوان از این منظر تحلیل و واکاوی کرد. نخبگان امنیتی ایران پیش از انقلاب به‌وضوح تحت تأثیر باورهای وارداتی درباره امنیت و نظامیگری بوده‌اند؛ اما در درست گرفتن زمام امور امنیتی کشور توسط افرادی که از دل لایه‌های تودرتوی جامعه و فرهنگ ایرانی سر برآورده‌اند و پیوستگی‌شان با آداب، سنن و فرهنگ جامعه و ارتباط‌شان با باورها و اندیشه‌های تاریخی، مذهبی و ملی ایرانی در بالاترین سطح، زمینه‌ساز ارائه درکی دیگرگونه از امنیت و مدیریت منازعه در ایران شده است.

تشریح مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران در این دوران - که در این مقاله انجام گرفت - نشان‌دهنده وجود شیوه‌ای متفاوت با روش‌های مألوف برای پاسخ دادن به تهدید و دفاع از کشور است. به‌نظر می‌رسد که تفاوت این شیوه ملی با سبک‌ها و فرهنگ‌های راهبردی موجود می‌تواند نشان‌دهنده زمینه وجود یک «نظریه امنیتی ایرانی» در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی باشد. با وجود این، جامعه روابط بین‌الملل ایران، نه تنها اجماعی در مورد ماهیت، ریشه‌ها و آثار رویکرد امنیتی کشور پس از انقلاب ندارد؛ بلکه حتی در مورد لزوم مطالعه و تحقیق بیشتر در این زمینه و پیدا شدن چنان اجماعی نیز در تردید به‌سر می‌برد. به نظر می‌رسد که سلطه دیدگاه‌های امنیتی «جهان‌شمول» نه تنها

امکان طرح‌ریزی رویکردهای امنیتی غیروارداتی را از میان برده؛ بلکه حتی احتمال به‌رسمیت شناختن و صورت‌بندی کردن «بدون خجالت» قابلیت‌های دکترینال امنیتی داخلی را نیز کاهش داده است.

این درحالی است که هویت ملی و تاریخ دولتمداری ایرانی، تفاوت‌های آشکاری با شیوه‌های جهانی‌شده غرب بنیاد دارد. سازه‌انگاران از کسانی بودند که توسعه نظامی هم‌شکل با غرب در جنوب را به‌عنوان یک معمای امنیتی طرح کردند و امروز نه تنها به لطف آنها؛ بلکه همچنین به همت محققان امنیتی پسامدرن و پسااستعماری، سخن گفتن از امکان پی‌گیری سبک ملی دفاع به‌عنوان روشی مناسب‌تر برای تامین امنیت کشور به‌هیچ وجه عجیب و غیرمنتظره نیست. اگرچه تا زمان گسترش این مدعا، رایج شدن این گفتمان و بررسی امکان‌پذیری تحقق آن در ساختار امنیتی کشور راه درازی پیش روست؛ اما تا آن هنگام مطالعه گسترده و عمیق فرهنگ راهبردی و سبک دفاع ملی ایرانی برای تبیین قابلیت‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی کشور در این زمینه به‌شدت نیاز است. این مطالعات می‌تواند زمینه‌ساز پیدایش نظریه امنیتی ایرانی با مختصات بومی‌گرایانه و البته، نتایج کارآمد و مؤثر برای جهان کنونی و تهدیدات آن باشد. در این راه، پژوهش حاضر به سهم خود کوشش کرد تا خطوط پررنگ فرهنگ راهبردی ایرانی را با تفاوت‌ها و مشابهت‌هایش با فرهنگ راهبردی سایر کشورها نشان دهد. برای ادامه این راه، به‌نظر می‌رسد مطالعات بعدی در زمینه فرهنگ راهبردی ایران باید از یک سو متمرکز بر پی‌گیری این سبک ملی طی دوران پس از امام خمینی؛ به‌ویژه در بحران‌های امنیتی حاد کشور طی سه دهه اخیر باشد و از سوی دیگر، مطالعاتی برای رهگیری بنیادها و تحولات فرهنگ راهبردی ایران در طی تاریخ کشور تا رسیدن به مقطع انقلاب لازم است.

در این مقاله کوشش شد تصویری دقیق و مبتنی بر روش‌شناسی علمی از فرهنگ راهبردی ایران در دهه نخست انقلاب ارائه شود. به این منظور، پس از ذکر مقدمات و

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی ... / ۲۵

مباحث نظری، روش نقشه‌برداری ادراکی که می‌تواند به شیوه‌ای مطلوب، ساختار ذهنی تصمیم‌گیران امنیتی و راهبردی را بازنمایی کند، تبیین شد. سپس با استفاده از این روش و تحلیل محتوای ۳۲ سخنرانی امام خمینی در جمع فرماندهان نظامی، نقشه ادراکی نگرش راهبردی امام ترسیم شد. همین نقشه مبنای استخراج فرهنگ راهبردی موجود و مؤثر بر آن قرار گرفت و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگ راهبردی ایران در دهه نخست پس از انقلاب، به‌عنوان دستاورد این مقاله در بخش پایانی تبیین گردید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ر.ک: عسگری، ۱۳۸۷؛ پورحسن، ۱۳۹۰؛ عسگری و آقاجانی، ۱۳۹۰ ب؛ سلیمانی، ۱۳۹۰؛ ترابی و رضایی، ۱۳۹۰؛ قنبرلو، ۱۳۹۱؛ ترابی، ۱۳۹۳ و قهرمانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴. Knepper, 2008. Strain, 1996. Eisenstadt, 2015.
- ۲- سه روش دیگر تحلیل رمزگان عملیاتی، نظریه تصویر و پیچیدگی مفهومی هستند. ر.ک: شاپیرو و دیگران، ۱۳۹۶.

منابع

پورحسن، ن. (۱۳۹۰). «مبانی دینی فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران»، نامه دفاع، ش ۲۶، صص ۱۲۷-۱۶۴.

ترابی، ق. و رضایی، ع. (۱۳۹۰). «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۴، صص ۱۳۵-۱۶۲.

ترابی، ق. (۱۳۹۳). «مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه امام خمینی (ره)»، پژوهش‌نامه دفاع مقدس، ش ۱، صص ۴۱-۶۸.

سلیمانی، ف. (۱۳۹۰). «تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی». نامه دفاع، ش ۲۶، صص ۱۶۵-۲۰۶.

شاپیرو، مایکل؛ مارگارت هرمن؛ ریچارد هرمن؛ استیون واکر و دیگران. (۱۳۹۶). مقالاتی در رویکرد ادراکی در تحلیل سیاست خارجی، ترجمه حمیرا مشیرزاده و شایان افراسیابی، تهران: میزان.

عسگری، م. (۱۳۸۷). «ویژگی‌های شیوه جنگ ایران در جنگ تحمیلی»، نامه دفاع، ش ۱۷، صص ۵۳-۹۷.

عسگری، م. و آفاجانی، ا. (۱۳۹۰ الف). «عوامل شکل دهنده و ویژگی‌های فرهنگی راهبردی ج.ا.ایران»، نامه دفاع، ش ۲۶، صص ۷-۱۲۵.

_____ (۱۳۹۰ ب). «ریشه‌های اسطوره‌ای و حماسی فرهنگ راهبردی ج.ا.ایران». نامه دفاع. ش ۲۶. صص ۲۰۷-۲۳۰.

قنبرلو، ع. (۱۳۹۱). «فرهنگ راهبردی و دفاع ملی؛ مطالعه موردی جنگ تحمیلی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۷، صص ۳۱-۵۰.

نگاهی دیگر به مبانی روابط خارجی فرهنگ راهبردی.../۲۷

قهرمانی نژاد، ب.؛ اسفندیار، ش. و بلباسی، م. (۱۳۹۴). «بررسی مؤلفه‌های فرهنگ دفاعی در چارچوب فرهنگ راهبردی ج. ا. ایران با رویکردی بر دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی آیت‌ا... خامنه‌ای». پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ش ۱ (۲). صص ۲۴۷-۲۷۰.

Abdelal, R. Herrera, Y. M. Johnston, A. I. & Martin, T. (2001). "Treating Identity as Variable: Measuring the Content, Intensity and Contestation of Identity". Paper prepared for presentation at APSA. at: web.ceu.hu/cps/bluebird/eve/statebuilding/abdelal-herrera-johnston-martin.pdf.

Ackermann, F. Eden, C. & Cropper, S. (1992) "Getting Started with Cognitive Mapping". 7th Young OR Conference, University of Warwick. at: banxia.com/pdf/de/GettingStartedWithCogMapping.pdf. pp 65-82

Axelrod, R. (1976). *Structure of Decision: The Cognitive Maps of Political Elites*. Princeton: Princeton University Press.

Brown, S. M. (1992). "Cognitive Mapping and Repertory Grids for Qualitative Survey Research: Some Comparative Observations". *JJ Jaaaaaaaff Management Studies*. Vol. 29 (3). pp 287-307.

De Groot, M. Elzinga, E. Kowalewski, T. Miskell, K. Palmer-Rehorst, C. & Reis, P. (2008) *Deconstructing Iranian Speech: A Strategic Culture Analysis*, at: www.lafollette.wisc.edu/publications/workshops.html.

Eisenstadt, M. (2015). *The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Religion, Expediency, and Soft Power in an Era of Disruptive Change*. MES Monograph. at: <http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/the-strategic-culture-of-the-islamic-republic-of-iran-religion-expediency-a>.

Gray, C. (1981). National Style in Strategy: The American Example. *International -Security*, 6(2). pp 21-47.

Gray, C. (2007). "Out of the Wilderness: Prime Time for Strategic Culture". *Comparative Strategy*. Vol (26). pp 1-20.

Hopf, T. (1998). "The Promise of Constructivism in International Relations Theory". *International Security*, Vol 23(1). pp 171-200.

Jepperson, R. L., Wendt, A., & Katzenstein, P. J. (1996). "Norms, Identity, and Culture in National Security". In P. J. Katzenstein, (Ed.), *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press.

Johnston, A. I. (1995). "Thinking about Strategic Culture". *International Security*. Vol 19 (4). pp 32-64.

- Kegley, C. W. Jr. (1994). "How Did the Cold War Die? Principles for an Autopsy". *Mershon International Studies Review*. Vol. 38 (1). pp 11-41 .
- Lantis, J. (2009). "Strategic Culture: From Clausewitz to Constructivism". in Larsen, J. A. (Ed.), *Strategic Culture and Weapons of Mass Destruction*, Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Snyder, J. (1977). *The Soviet Strategic Culture: Implications for Limited Nuclear Operations*. A Project AIR FORCE Report Prepared for the United States Air Force. Santa Monica: Rand.
- Strain, F. R. (1996) *Diccerii gg Inn'n'c ccc aaS Staatgg: EE EEEEEEEoo of Motivation, Strategic Culture, and Rationality*, at: www.au.af.mil/au/awc/awcgate/awc/strain_fr.pdf.
- Tetlock, P. & McGuire, C. (1986). "Cognitive perspectives on foreign policy". *Political Behavior Annual*. Vol (1). pp 147-179.
- Weigley, R. (1973). *The American Way of War*. Bloomington: Indiana University Press.
- Young, M. D. (1996). "Cognitive Mapping Meets Semantic Networks". *The Journal of Conflict Resolution*. Vol 40 (3). pp. 395-414.
- Young, M. D. & Schafer, M. (1998). "Is There Method in Our Madness? Ways of Assessing Cognition in International Relations". *Mershon International Studies Review*. Vol. 42 (1). pp. 63-96.

An Alternative Look at the Foundation of IR of Iran's Foreign Relations: Its Strategic Culture during (1979-1989)

Homayra Moshirzadeh¹(corresponding author): Assistant professor, international relations department, Tehran University.

Majid Kafi: Ph.D. student in international relations, Tehran University.

Received on: 27.11.2017

Accepted on: 27.6.2018

Abstract:

The present article tries to analyze Iran's strategic culture in the immediate post revolution era i.e. the first decade after the formation of Islamic Republic of Iran, a period which is highly influenced by the late leader of the revolution, Imam Khomeini, as the major decision maker in the country. The authors by a scientific method have drawn a comprehensive picture of the strategic culture of Iran on the basis of Imam Khomeini's perception. The article seeks to discover the main components and features of strategic culture in this period through a study of thirty three speeches of Imam Khomeini. These speeches are analyzed in order to show the cognitive map of Imam Khomeini about important issues. It is assumed that this cognitive map can reveal the connection among various factors that would lead to peace and security. The above cognitive map shows a distinctive approach to the issues of threat and defense. Although components such as emphasis on national power, military strength, national spirit and popular support are more conventional, elements such as the will of God, martyrdom seeking, justice seeking and other related values give this culture a particular distinctiveness. It is argued that distinctiveness can be seen as a model for an Iranian theory of security.

Keywords: Iran, strategic culture, defensive strategy, perceptual mapping, Imam Khomeini

1. homoshir@ut.ac.ir